info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۴۱۶
یکشنبه / ۱۶ تیر / ۱۳۹۸
۴ / ذی القعده / ۱۴۴۰
07 / Jul/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بامداد حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون، کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۲۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

خوش ۲۴۳

امروز با حافظ

ای منعم آخر بر خوان جودت
تا چند باشیم از بی نصیبان
حافظ نگشتی شیدای گیتی
گر می‌شنیدی پند ادیبان

خوش

ما دست تو را خواجه بخواهیم کشیدن
وز نیک و بدت پاک بخواهیم بریدن
هر چند شب غفلت و مستیت دراز است
ما بر همه چون صبح بخواهیم دمیدن

مولانا

اذان کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۹	۰۵:۵۷	۱۳:۱۲	۲۰:۲۶	۲۰:۴۶

برگه

آرامش واطمینان، بهترین موفقیت است.

اوستن

یادداشت اختصاصی

روزها انتظار برای دریافت دارو در کرج

خانی نژاد

هنگام خریدن دارو برای پدرم سراسر استرس و اضطرابم. در حال قدم زدن یا در سکوت روی یک صندلی نشسته و به نقطه ای خیره می شوم. گاهی با خودم حرف می زنم گاهی آه می کشم و گاهی با خودم زمزمه می کنم، شاید همه این ها بخاطر این است که حال همدیگر را درک کنیم، یک تجربه یا یا یک اتفاق جدید است برای اینکه بفهمیم مردم چه حالی دارند، خانواده هایشان برای تهیه دارو چه عذابی را تحمل می کنند.

لحظه موعود وقتی است که مسئول پذیرش شماره ای را می خواند و آن شماره ای است که توی دستان توست وقتی بهش نزدیک می شوی دعا دعا می کنی داروش آماده باشد تا بتوانی بگیری و ببری پدرت مصرف کند به این امید که آنتی ویروس اثر کند و این هیاتیت C لعنتی از بدنش بیرون برود.

تنها تو نیستی که انتظار می کشی، تنها تو نیستی که به سقف هلال احمر خیره می شوی، تنها تو نیستی که امید داری این دارو و هزاران داروی کمیاب دیگر، توی این داروخانه موجود باشد. اگرچس ششمت کار کند صدای زجر کشیدن لحظه به لحظه مراجعین را حس می کنی که با چه التماسی از خدا می خواهند که دست خالی برنگردند.

این همان سهم ما از زندگی است بدترین لحظه، لحظه ای است که با تمام تب و تاب و التماس ها به خدا می رسی به گیشه و بهت می گویند دارو هنوز از تهران نرسیده و امروز دست را نمی گیرد، برو فردا بیا دنیا روی سرت خراب می شود. می پرسی چرا فردا؟ بهت می گویند چون هنوز دستمان نرسیده!

کمیابی دارو از یک طرف، نازِ و قمش مسئولش هم از یک طرف دیگر. نمی دانی باید کجا فریاد بیری، روز بعد هم دوباره به داروخانه هلال احمر مراجعه می کنی و شماره می گیری تا نوبتت برسد، کسی قبل از شماره گرفتن جولیت را نمی دهد، خیالت را راحت نمی کند که این دارو هست یا نه!

وقتی بعد از ساعت ها نوبتت می رسد، دوباره مسئولش بهت نگاه می کند و می گوید دارو آمده ولی هنوز قیمت گذاری نشده می پرسی؛ یعنی چی که قیمت گذاری نشده و باز با اخم هاش بهت می فهماند که برو فردا بیا برای مریضی که نیاز دارد تا هر روز این دارو را مصرف کند این رفتارها بسیار سخت است. بعد از ۴ تا ۵ روز علاقه شدن دارو به دست می رسد. تازه این وضعیت برای دارویی است که ۳۰ تا قرصش ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومن در نوسان است بعلاوه آن هایی که به داروخانه هلال احمر مراجعه می کنند و داروهایشان بالاتر از ۲ تا ۳ میلیون تومان قیمت دارد و بعضی از داروهای خاص هم که قیمتشان سر به فلک می زند بیچاره مردم.

وقتی یا مراجعه کننده ها صحبت می کنی هر کدام به مطالب جدید می گویند و یک قیمت جدید که سرت سوت می کشد در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده با لب هایی لرزان می گویند خدا کند خارجیش را داشته باشند وگرنه اثر نمی کند.

سوال اینجاست اگر توزیع دارو از تهران انجام شده و به هلال احمر کرج می رسد چرا باید خانواده ها پشت سر هم مراجعه کنند تا بالاخره موفق به خرید دارو شوند؟ فاصله از تهران تا کرج چقدر است؟ برای قیمت گذاری چند روز و چند بار بیمار و یا خانواده بیمار مراجعه کنند تا داروی خود را دریافت کنند؟ نقش بیمه های تکمیلی بازنشستگان کشوری در این امر چیست؟

نقش بیمه در این کشور چیست؟ چرا کادر پزشکی که مبتلا به بیماریهای خاص و عفونی می شوند نهاد و یا سازمانی نیست تا از آنها حمایت کند؟ پرستاری که سال ها زحمت کشیده و هنگام بازنشستگی متوجه بیماری شده چقدر باید درد و رنج نبود دارو را تحمل کرده و با قیمت های سرسام آور و حقوق بخور و نمیر بازنشستگی هزینه سنگین آن را جبران کند؟ چرا هلال احمر کرج این قدر کند عمل کرده و دارو یا سختی به دست بیمار می رسد؟ هزینه های برخی بیماری خاص سنگین است دولت در این زمینه کجا دست بیماران را گرفته است؟ دستگاه های نظارتی چرا اقدامی برای بهبود اوضاع ندارند؟ اگر دارو به علت شرایط اقتصادی گران است نحوه برخورد مسئولان پخش دارو با مردم زشت و ناپسند است.

یادمان باشد مدیریت در شرایط سخت هنر است.

دیدگاه

راه و روش درستِ کتاب خواندن

«پس از مدتی سراغ کتابخانه و کتاب‌هایمان که می‌رویم اکثرشان دیگر با هم تفاوت زیادی نمی‌کنند چون تقریبا چیز زیادی از آنها یادمان نمی‌آید محتوای هر کتاب صرفا به‌صورتی مبهم و آشفته از ذهن ما عبور می‌کند در چنین مواقعی ابتدا پریشان می‌شویم که مشکل از حافظهٔ ضعیف خودمان است یا شاید کتاب‌ها تأثیر اندکی بر ما داشته‌اند اما وقتی می‌فهمیم بسیاری از دوستانمان هم همین تجربه را دارند کمی احساس آسودگی می‌کنیم. اگر محتوای کتاب‌ها تا بدین حد کم به خاطر می‌مانند اساسا اهمیت مطالعه در چیست؟ رولف دوبلی، نویسندهٔ کتاب «هنر شفاف اندیشیدن»، پیشنهادهایی دارد»

به گزارش پیام آشنا، ترجمان در برگردان نوشتار از رولف دوبلی، نویسنده سوئیسی کتاب پرفروش «هنر شفاف اندیشیدن»(این کتاب در ایران با ترجمه عادل فردوسی‌پور منتشر شده است) نوشت: «مایه بدرستی کتاب نمی‌خوانیم و کتابخوانی را به نحو گزیده و با دقت کافی به انجام نمی‌رسانیم. باید کتاب‌ها را به گونه متفاوت بخوانیم و برای این کار، چارچوب راهنما و پیش روی خود را به شما پیشنهاد می‌کنم. بگذارید با یک مثال ساده مسئله را توضیح دهم. هر بلیت قطار چند سفره در سوئیس شش بخش جداگانه دارد. پیش از آغاز سفر، شما کارت خود را در یک دستگاه نارنجی‌رنگ قرار می‌دهید که تاریخ و زمان سفر را روی آن درج می‌کند و بخش کوچکی از گوشه سمت چپ کارت را برمی‌دارد. زمانی که هر شش بخش کارت مورد استفاده قرار گیرد، اعتبار بلیت به پایان رسیده و بلیت بی‌ارزش به شمار می‌رود. به‌همین ترتیب، برای خواندن کتاب‌ها نیز بلیتی را با پنجاه بخش متفاوت در نظر بگیرید. درست به شیوه بلیت‌های قطار، در اینجا نیز پیش از هر بار خواندن کتاب باید یکی از این بخش‌ها را ثبت کنید. اما بر خلاف بلیت چند سفری، این تنها بلیت شما خواهد بود و نمی‌توانید در صورت تمایل یکی دیگر تهیه کنید. زمانی که اعتبار این بلیت به اتمام رسد، شما قادر به باز کردن هیچ کتاب دیگری نخواهید بود و با وجود این که در سیستم حمل نقل امکان فرار از باجه ثبت بلیت وجود دارد، در اینجا هیچ تقلبی ممکن نیست. شاید بپرسید که تنها پنجاه کتاب برای تمام عمر؟ این موضوع احتمالا برای بسیاری افراد اهمیت چندانی ندارد اما برای شما که در حال خواندن این مقاله هستید چشم‌انداز وحشتناکی است. چطور ممکن است حتی فردی نیمه‌متمدن زندگی خود را با این تعداد محدود کتاب به سر برد؟

کتابخانه خصوصی من شامل سه هزار کتاب است که تقریبا یک سوم آنها خوانده شده‌اند، یک سوم از آنها نیمه‌خوانده مانده‌اند و یک سوم دیگر نیز اساسی دست‌نخورده هستند. کتاب‌های جدیدی نیز هر سال به طور مرتب به این تعداد اضافه می‌شوند. آنها را دسته‌بندی می‌کنم و خود را از شر برخی خلاص می‌سازم. کتابخانه من در مقایسه با فردی چون اومبرتو اکو یا کتابخانه‌ای به بزرگی سی هزار کتاب، نمونه‌ای پیش‌پاافتاده محسوب می‌شود. با این حال و علی‌رغم تعداد محدود کتاب‌ها، محتوای آنها صرفا به صورتی مبهم به یادم مانده است. در واقع وقتی به جلد آنها نگاه می‌کنم، نوشته‌های هر کتاب به صورت لری گذرا و آشفته از ذهنم می‌گذرد که با احساسات مبهمی آمیخته‌اند. گاه صحنه‌ای از کتابی در نظرم مجسم می‌شود و گاهی نیز جمله‌ای همچون قایقی بارویی روان در مه به راهی می‌آید و ناپدید می‌شود.

به ندرت می‌توانم یک کتاب را به اختصار جمع‌بندی کنم. برخی از کتاب‌ها در قفسه جستجو کنم. در چنین لحظاتی نمی‌دانم حافظه ضعیف من خجالت‌آورتر است یا کتاب‌هایی که آشکارا تأثیر اندکی بر من نهاده‌اند. البته زمانی که از رویارویی بسیاری از دوستانم با تجربه‌ای مشابه آگاهی یافتم تا حدودی احساس آسودگی کردم. این وضعیت نه تنها در خصوص کتاب‌ها، بلکه درباره مقالات، گزارش‌ها، پژوهش‌ها و متون ادبی نیز صدق می‌کند که زمانی با لذت خوانده شده‌اند اما غلب آنها به نحو شرم‌آوری به سختی به یاد آورده می‌شوند.

حال پرسش اینجاست که اگر محتوای کتاب‌ها تا بدین حد کم به خاطر می‌مانند، اساسا اهمیت مطالعه در چیست؟ تردیدی نیست که مطالعه لذتی زودگذر را به دنبال خواهد داشت اما این لذت زودگذر را می‌توان از خوردن یک شیرینی لذیذ هم به دست آورد، بی‌آن که از آن انتظار داشته باشیم تا شخصیت ما را شکل دهد. به راستی چرا اثر کتاب‌ها مدت کوتاهی با ما می‌ماند؟

دلیل این امر را باید در نادرستی شیوه خواندن کتاب جست‌وجو کرد. کتابخوانی ما به حد کافی گزیده و دقیق نیست. ما به خود اجازه می‌دهیم که مانند سگی آموزش ندیده در میان متون مختلف سرگردان شویم و به جای آموزش شیوهٔ یافتن شکار ارزشمند و کمیاب، آزادانه به هر سو گردش کنیم. در واقع مهم‌ترین و ارزشمندترین منبع خود را برای چیزهایی که سزاوار آن نیستند به هدر می‌دهیم.

امروز من به گونه‌ای سراسر متفاوت با سالیان پیش کتاب می‌خوانم. بی‌تردید میزان کتاب‌های با گذشته یکسان است اما اینک کتاب‌های کمتر و بهتری را می‌خوانم و هر یک را نیز دو بار مطالعه می‌کنم. در واقع به شدت گزیده‌خوان شده‌ام و تنها با کمتر از ۱۰ دقیقه درباره خواندن یا نخواندن هر کتاب تصمیم می‌گیرم. تصور بلیت چند سفری در این سخت‌گیری مرا یاری می‌کند. از خود می‌پرسم آیا کتابی که من در دست دارم ارزش قربانی کردن یکی از بخش‌های بلیت را دارد؟ پاسخ در موارد اندکی مثبت است. کتاب‌هایی که خوانده می‌شوند هم بر اساس اصول معین شده، بلافاصله مورد بازخوانی قرار می‌گیرند.

به راستی چرا نباید هر کتاب را دو بار خواند؟ در موسیقی ما هر قطعه را بارها و بارها گوش می‌دهیم. نوازندگان نیز به خوبی می‌دانند که نواختن اساتذه یک قطعه تنها پس از بازخوانی چندباره آن و تمرکز کامل میسر می‌گردد. آن‌هم پس از این که نوازنده با عجله در پی قطعه دیگری باشد. چرا نباید با کتاب‌ها نیز همین گونه رفتار کرد؟

تأثیر دومین مطالعه کتاب، صرفاً دو برابر نخستین بار نیست، بلکه بسیار بیشتر است. من بر اساس تجربه شخصی، آن را بیش از ۱۰ بار بیشتر از اولین خواندن کتاب مؤثر می‌دانم. به این صورت که اگر بعد از خواندن اول ۳ درصد از کتاب را به یاد می‌آورم، پس از دومین نوبت، میزان یادآوری به ۳۰ درصد می‌رسد.

این نکته مرا بارها و بارها متعجب ساخته است که وقتی به آرامی و با تمرکز مطالعه می‌کنیم تا چه حد دومین مطالعه را خوشی جدید می‌یابیم و درکی عمیق‌تر از نتایج چنین خواندنی به دست می‌آوریم. هنگامی که داستایفسکی در ۱۸۶۷ به تابلو «جسم درگذشته مسیح در آرامگاه» در شهر بال نگاه کرد، چنان محو نقاشی شد که همسرش به ناچار پس از نیم‌ساعت او را از مقابل تصویر کنار کشید. جالب آن که او دو سال بعد از این زمان همچنان می‌توانست نقاشی را در ذهن خود به تفصیل شرح دهد. آیا عکسی فوری با یک گوشی آیفون قادر است چنین تأثیری داشته باشد؟ احتمالا پاسخ منفی است. زیرا نویسنده بزرگ باید خود را در نقاشی غرق کند تا بتواند در آینده به نحوی سازنده از آن در آثار خویش بهره گیرد. واژه کلیدی در اینجا غوطه‌وری است که درست در نقطه مقابل موج‌سواری قرار می‌گیرد.

اجازه دهید بحث را با اشاره به چهار نکته به پایان برم. نخست در باب اثربخشی که تا حدود زیادی امری فنی به نظر می‌رسد. آیا دلوری کتاب‌ها کاری درست است؟ پاسخ مثبت است. این نوع مطالعه بر سودمندی و برخورد غیر احساساتی متمرکز است. اجازه دهید احساسات را برای فعالیت‌های دیگر نگاه داریم. فکر می‌کنم اگر کتاب به دلیل فقر محتوا یا خواندن نادرست اثری در مغز باقی نگذارد، زمان را هدر داده‌ایم. در واقع به لحاظ کیفی، کتاب یا خوردن شیرینی لذیذ، پرواز بر فراز آلپ یا لذت رابطه جنسی تفاوتی بنیادین دارد.

دوم آن که کتب جنایی، پلیسی و معمایی از این قاعده مستثنا هستند، زیرا معمولا کسی نمی‌تواند برای بار دوم آنها را بخواند. به راستی چگونه می‌توان قاتلی شناخته‌شده را بار دیگر ملاقات کرد.

سوم آن که باید برای خود تصمیم بگیرید که چه تعداد جایگاه کتاب در بلیت کتاب‌خوانی در اختیارتان قرار دارد. من برای ۱۰ سال آینده خود را به ۱۰۰ کتاب محدود کردم که به طور متوسط سالانه ۱۰ کتاب را شامل می‌شود. این تعداد برای نویسندهای چون من به نحو چنان‌تکان‌دهنده‌ای اندک است اما معمولا تر که گفتم من کتاب‌های عالی را دو و گاهی سه بار، یا لذت فراوان و اثربخشی ۱۰ برابری می‌خوانم.

و در نهایت اگر هنوز جوان هستید، باید در یک سوم اول از دوران فعال کتابخوانی خود، بی‌توجه به کیفیت، هر مقدار کتاب ممکن را، اعم از رمان، داستان‌های کوتاه، شعر و کتب غیر داستانی، بیلعید. خودتان را با خواندن سرگرم کنید. رمز این توصیه در نوعی بهینه‌سازی ریاضی به نام «مسئله منشی» نهفته است. این مسئله در صورت‌بندی کلاسیک آن، درباره استخدام بهترین منشی از میان داوطلبان متعدد است. در راه‌حل پیشنهادی، باید از طریق گفتگو با ۳۷ درصد اول داوطلب‌ـ تصویری کلی از توزیع کیفی آنها به دست آورید و سپس همه این افراد را رد کنید. می‌توانید توضیحات بیشتر را در سایت ویکی‌پدیا مطالعه کنید. بر این اساس، با خواندن گسترده کتاب‌ها (به معنای آماری کلمه) و آزمودن آنها در یک سوم نخست از دوران کتابخوانی خود، تصویری از توزیع کیفی آثار به دست خواهید آورد و توان داوری شما تقویت می‌شود. به این ترتیب در ادامه می‌توانید با شدت زیاد گزیده بخوانید.

پس از حدود سن چهل سالگی به بعد بلیت کتابخوانی خود را تهیه کنید و پس از آن، به دقت به این اصول وفادار بمانید. چرا که به هر حال پس از رسیدن به چهل سالگی، زمان محدودتر از آن است که برای خواندن کتاب‌های ضعیف و کم‌مایه صرف شود.

با شعرای کرج

اندیشه ای برای شکفتن

ای در غبار غیر و فرو رفته در عدم
ای لغزش هنر، در سایه ی هراس گذر کردن زمان

ای آخرین نگار زمان بر نگین سنگ
ای بستر فغان زمین بر فراز رود

در تیرگی سایه ی فانوس مانده ای
خود را به کوچه های توهّم رسانده ای

دیگر صدای نای تو از عندلیب نیست
تو در هرین قصّه ی ضحّاک مانده ای

سیل است همسفر، تاریکی و غبار
چیزی که در تو نیست،

نبض محبت است. رود طبیعت است
تا کی میان سایه ی خود دست و پا زنی؟

از نور می گریزی و هرّاب می روی
شب را ز خود بران، گذری بر طلوع کن

اندیشه رانگر و گنرگاه خویش کن
بی فکر تا کجا به چنین خواب می روی؟!

اندیشه ای برای شکفتن ز دانه کن
اما دریغ از این که خرد زاید از خرد

نداجعفری

خبرچه

تاثیر مثبت واتس‌اپ بر روحیه کاربران!

جدیدترین تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده از اپلیکیشن پیام‌رسان واتس‌اپ تاثیرات مثبتی روی روحیه و اعتمادبه نفس کاربران دارد.

به گزارش پیام آشنا، بر اساس تازه‌ترین یافته‌های محققان و پژوهشگران در موسسه تحقیقاتی گلوبال وب ایندکس، استفاده از واتس‌اپ که یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین اپلیکیشن‌های پیام‌رسان در جهان به‌شمار می‌رود، روی سلامت روحی و روانی کاربرانش تاثیر مثبت و سازنده‌ای دارد. کارشناسان و تحلیلگران در توصیف علل این تاثیرات مثبت خاطرنشان کرده‌اند از آنجا که کاربران با استفاده از پیام‌رسان واتس‌اپ با دوستان و اعضای خانواده خود در هر کجای جهان که باشند، می‌توانند ارتباط برقرار کنند، پیام‌های متنی و صوتی بفرستند و تماس‌های صوتی و تصویری با آنها بگیرند، احساس تنهایی و افسردگی نخواهند کرد و همین مساله موجب بهبود و ارتقای سطح سلامت روحی و روانی آنها می‌شود.

براساس اطلاعاتی که در وبسایت -digitalinfor mationworld آمده است، آنها در ادامه گزارش خود اعلام کرده‌اند آن دسته از افراد و کاربرانی که تعداد ساعات بیشتری از واتس‌اپ استفاده می‌کنند، در درازمدت متوجه خواهند شد که روحیه بهتری خواهند داشت، چراکه قادر خواهند بود با دوستان و اعضای خانواده خود به راحتی ارتباط برقرار کنند. اپلیکیشن پیام‌رسان واتس‌اپ که یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین پیام‌رسان‌های جهان است نیز از قابلیت Encryption End- to End یا رمزنگاری پیشرفته پشتیبانی می‌کند و از پروتکل‌های پیشرفته‌ای برای حفظ حریم شخصی کاربرانش برخوردار است. این اپلیکیشن که برای تمام سیستم‌های عامل اندروید iOS و ویندوز قابل استفاده است، در سال ۲۰۱۶ لقب پرکاربردترین پیام‌رسان جهان را گرفت. واتس‌اپ از آن جهت ضریب امنیت سایبری بالایی دارد که مکالمات و اطلاعات مبادله شده میان کاربران و مخاطبان به‌صورت کامل محافظت شده بوده و مکالمات و اطلاعات شخصی و خصوصی آنها از سوی نهادهای دیگر قابل رصد و ردگیری نخواهد بود.

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

بریده جراید

شوفرها علیه کاخ ۷۲ میلیون دلاری

شهروند- دو معامله بزرگ و لاکچری در لس‌آنجلس صورت گرفته است؛ درحالی که در این منطقه اختلاف طبقاتی وحشتناکی وجود دارد و هزاران نفر در خیابان‌ها زندگی می‌کنند.

روز دوشنبه، گزارش‌های متعددی آمد از این که گرت کمپ، موسس شرکت اوبر و شریکش الیزا گوین یک کاخ بزرگ را با قیمت بیش از ۷۲ میلیون دلار خریدند. گفته می‌شود این کاخ با ۱۱۰۰ متر مربع مساحت، بزرگترین خانه در این منطقه است.

البته این بزرگترین و گران‌قیمت‌ترین معامله‌ای نیست که در هفته گذشته در لس‌آنجلس صورت گرفته است. کاخ ۵۷۰۰ متر مربعی دیگری در هفته گذشته در این منطقه از سوی آرون اسپلینگ، تهیه‌کننده تلویزیون به قیمت ۱۲۰ میلیون دلار خریداری شد که رکورد بالاترین قیمت خانه در تاریخ لس‌آنجلس را شکست.

فروش این کاخ‌های گرانقیمت درحالی اتفاق می‌افتد که لس‌آنجلس با نابرابری‌های فزاینده و بحران مسکن و بی‌خانمانی مواجه است و بحث‌های زیادی در این مورد صورت گرفته که چه کسانی از رشد اقتصادی این منطقه بهره می‌برند املاک هواسپس هیلز یک ملک ۴.۷ هکتاری است که بزرگترین ملک خانوادگی لس‌آنجلس است. این ملک در سال ۱۹۹۱ برای آرون اسپلینگ ساخته شد و به نوشته لس‌آنجلس تایمز، حالا ۱۲۲ اتاق دارد.

اما چیزی که موضوع خرید کاخ توسط گرت کمپ، موسس شرکت اوبر را از ملک آرون اسپلینگ مجزا می‌کند این است که در ماه‌های اخیر بسیاری از رانندگان اوبر برای دستمزدهایشان دست به اعتراض زده‌اند. ثروت کمپ حدود ۴.۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. خرید این ملک ۷۲ میلیون دلاری جنجال زیادی بین فعالان و رانندگانی که مدت‌هاست برای حقوق خود و بهبود شرایط کاری تلاش می‌کنند، ایجاد کرده است. نیکول مور، یکی از رانندگان اوبر در لس‌آنجلس می‌گوید: «این مصداق بارز این است که یک‌درصد از افراد، ثروت ۹۹ درصد را می‌دزدند. کمپ خانه‌ای ۷۲ میلیون دلاری را درحالی خریده که بسیاری از رانندگان اوبر در ماشین‌هایشان زندگی می‌کنند. ما برای دستمزدهایمان می‌جنگیم اما این افراد حتی حاضر نیستند ثروتشان را با کسانی که به ثروت‌اندوزی آنها کمک کرده و شرکت آنها را ساخته‌اند، به اشتراک بگذارند.»

خانم مور، کسی است که در لس‌آنجلس به صورت پاره‌وقت رانندگی می‌کند و یک کار تمام وقت هم در بخش درمان دارد. چراکه به گفته او، هزینه‌های زندگی و اجاره خانه در لس‌آنجلس بسیار بالاست. او به گاردین می‌گوید: «این کار تفرقه انگیز است. اختلاف درآمد و شکاف طبقاتی به طرز عجیبی حکم‌فرماست.»

کریم یابومی، راننده دیگری از شرکت اوبر در لس‌آنجلس می‌گوید: «این آدم (گرت کمپ) دارد با پول ما این خانه‌های باشکوه را می‌خرد. با پولی که ما با زحمت به دست آوردیم که آنها به راحتی و قیرمتصفانه از دست ما می‌گیرند. این استثمار است.» وینا دوبال، استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا و فعال حقوق کارگری می‌گوید که خرید این کاخ باشکوه از سوی گرت کمپ، نشان دهنده این است که او قصد ندارد بهبودی در شرایط رانندگان ایجاد کند.

خانم دوبال می‌گوید: «این اقدام مثل سیلی به صورت رانندگان اوبر بود. آن هم وقتی که اوبر با ادعای شکستن قوانین کارگری و نقض قوانین موجود به نفع کارگران وارد شد. سیستم سرمایه‌داری به شکل تراولی به او پاداش خارق العاده‌ای داده است. آن هم در جلوی چشم کارگران و رانندگان این شرکت.» وینا دوبال با بیان این که چنگ کارگران برای بیمه، حداقل دستمزدها همچنان ادامه دارد، ۷۷ میلیون دلار می‌توانست مسیر زیادی را پیش ببرد: «این حجم از پول می‌توانست زندگی مردم و رانندگان اوبر را عوض کند.» این استاد دانشگاه همچنین اذعان کرد که بسیاری از رانندگان اوبر بر خدمات عمومی و کمک‌های دولتی تکیه کرده‌اند و حقوق‌های پایین آنها نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آنها، مالیات‌ها و هزینه‌هایشان باشد. این پول امثال ماست که برای خرید آن خانه صرف شده است.»

اولین نیروگاه اتمی شناور جهان توسط روسیه آماده به کار شد

همشهری آنلاین- اولین نیروگاه هسته‌ای شناور جهان، «آکادمیک لوموتسوف»، توسط روسیه ساخته شده و مجوز فعالیت دریافت کرده است. قرار است این نیروگاه انرژی و گرمای مناطق دورافتاده قطبی روسیه را تامین کند.

اولین نیروگاه هسته‌ای شناور جهان، به نام «آکادمیک لوموتسوف» توسط روسیه ساخته شده و حالا مجوز فعالیت دریافت کرده است. قرار است این نیروگاه انرژی و گرمای مناطق دورافتاده قطبی روسیه را تامین کند.

طبق اعلام روس‌اتوم‌آب، این شناور در انتهای ماه آگوست به بندر پوک در سواحل قطبی منطقه چوکوتکا حمل خواهد شد. به این ترتیب این نیروگاه، شمالی‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان خواهد شد.

قرار است این نیروگاه هسته‌ای، در ماه دسامبر انرژی پوک را تأمین کند که در آن صورت ۲ پایگاه برق موجود در خشکی، از مدار خارج خواهند شد. انتظار می‌رود این نیروگاه هسته‌ای یکی از زیرساخت‌های کلیدی توسعه مسیر دریایی شمال روسیه باشد.

نیروگاه آکادمیک لوموتسوف دارای دو راکتور کی‌ال تی ۴۰- اس است که قادر به تولید ۷۰ مگاوات انرژی الکتریکی و ۵۰ گیگا کالری انرژی گرمایی، در هر ساعت هستند. این راکتورها که ویرایش جدیدی در نوع خود هستند، هر کدام قادرند برق و انرژی گرمایی لازم برای یک شهر با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت را تأمین کنند.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS